

دریافت مقاله: ۹۰/۵/۲۷

فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت نظامی

پذیرش مقاله: ۹۰/۶/۱۲

شماره ۴۲، سال یازدهم، تابستان ۱۳۹۰

ص ص ۱۴۷-۱۸۰

راهبردها و تفکرات جنگی ایرانیان در شاهنامه

مسلم احمدی^۱

چکیده مطالب

بزرگترین اثر حماسی و ملی زبان فارسی شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی است که بخش مهمی از امور و کیفیات گذشته قوم ایرانی را در بر می‌گیرد. همان طور که می‌دانیم موضوع اصلی حماسه شرح نبردها و دلاوری‌های گذشته اقوام مختلف است. شرح نبردها در شاهنامه، با افسانه‌ها آمیخته شده و چهره‌های اسطوره‌ای و خارق العاده پیدا نموده است. یکی از اجزاء مهم جنگ، شیوه‌های نبرد است که امروزه به آن تاکتیک گفته می‌شود.

شاهنامه مملو از نکات و دستوره‌های جنگی بوده که بیشتر آنها با مفاد نظام نامه‌ها و کتاب‌های شیوه کارزار فعلی که در نتیجه تجارب جنگ‌های متعدد دنیا تدوین شده، مطابقت دارد.

در این پژوهش ابتدا تعاریفی از جنگ، حماسه، انواع، علل و اصول نه گانه جنگ و تطبیق آن با شاهنامه ارائه کرده، آنگاه به جنگ و روش‌های نبرد در شاهنامه می‌پردازیم. سپس این جنگ‌ها و روش‌ها مطابق اصول و روش‌های جنگی امروز نامگذاری می‌گردد. تطبیق این روش‌های تاکتیکی، نشان از راهبردی بودن روش‌های جنگی شاهنامه می‌دهد.

واژگان کلیدی: شاهنامه، حماسه، جنگ، تاکتیک‌های نبرد، راهبردهای جنگ، اصول جنگ

مقدمه

شاهنامه فردوسی چگونگی شکل‌گیری و استقلال یافتن قوم ایرانی را به شکل زیبایی بیان می‌کند. محتوای فراگیر و اسلوب ممتاز سخن نابغه‌ی توس، آن‌چنان درجه‌ی اعجاز گونه‌ای به شاهنامه بخشیده است که آن را سرآمد آثار ادبی فارسی نموده است. شاهنامه تمامی امور مربوط به زندگی گذشته قوم ایرانی از قبیل مذهب، حکمت، فلسفه، ادبیات، طب، عشق، جنگ، علم اجتماع، آداب و رسوم و غیره را در برمی‌گیرد.

همان‌طور که می‌دانیم شاهنامه یک اثر حماسی است. موضوع اصلی حماسه، شرح نبردها و دلاوری‌های گذشته‌ی اقوام مختلف است. طبعاً متداول‌ترین مطالب شاهنامه، به عنوان یک اثر برجسته حماسی، شرح جنگ‌های قوم ایرانی، با دشمنان آنها برای استقرار و به‌دست آوردن استقلال است.

در ضمن بیان این نبردها، دلاوری‌ها و از جان گذشته‌ی‌های پهلوانان ایرانی به شکل زیبایی بیان شده است. شرح نبرد این قهرمانان در طی انتقال شفاهی - که با افسانه‌ها آمیخته شده - در شاهنامه چهره‌ای اسطوره‌ای و خارق‌العاده پیدا نموده و برجستگی خاصی یافته است. برجستگی موضوع و قهرمانان حوادث، از ویژگی‌های مهم، آثار حماسی است.

یکی از اجزاء مهم جنگ، شیوه‌های جنگ کردن است که امروزه به آن «تاکتیک»^۱ جنگ گفته می‌شود. تاکتیک جنگ در ارتش‌های بزرگ دنیا، جایگاه ویژه‌ای دارد و یکی از عوامل پیروزی در جنگ‌ها است. شاهنامه‌ی فردوسی مملو از نکات و دستورهای جنگی است، که بیشتر آنها با مفاد نظام‌نامه‌ها و کتاب شیوه‌ی کارزار فعلی، که در نتیجه تجارب جنگ‌های متعدد دنیا تدوین شده، مطابق است (بهارمست، بی تا، ص ۲۴۸).

«دلبروک»^۱ مورخ آلمانی می‌گوید: «با بررسی نبردهای اصلی و مهم، می‌توان تصویری از تاکتیک هر عصر را به دست آورد و بدین ترتیب می‌توان دست به تحقیق وسیع‌تری زد. او عقیده داشت که نبردهای گذشته در واقع، ادبیات، دانش و علم صرف و نحو نبردهای امروزی هستند» (مشکوتی، ص ۲۱۵). رقابت تسلیحاتی و افزایش روزافزون قدرت نظامی کشورها، مبین این واقعیت انکارناپذیر است که جنگ با وجود همهٔ ویرانگری‌هایش یک پدیدهٔ پایدار تاریخ به شمار می‌رود.

فردوسی می‌فرماید:

چنین بود تا بود گردان سپهر گهی جنگ و زهر است و گه نوش و مهر
زمانه سراسر پر از جنگ بود به جویندگان بر جهان تنگ بود

(شاهنامه، ۱۳۸۴، ج ۴ ص ۴۳۸، بیت ۷۰۳-۷۰۴)

در هر حال تاریخ به ما می‌آموزد تا زمانی که قدرت از دهانه لوله تفنگ خارج می‌شود، کشورها هم ناگزیرند برای دفاع از منابع ملی خود، آمادگی لازم و کافی در برابر تهدیدات احتمالی داشته باشند.

در این مقاله ابتدا تعاریفی از جنگ، انواع علل و اصول جنگ و بازتاب آن در شاهنامه ارائه می‌گردد، سپس مطالبی از معرفی حماسه، انواع و ویژگی‌های آن عنوان می‌شود، آنگاه مرحلهٔ اصلی کار، که جنگ و روش‌های جنگی در شاهنامه است آغاز می‌گردد. در این زمینه، ابتدا انواع روش‌های جنگی در شاهنامه، با آوردن مثال‌های نمونه از اشعار - چه در بخش تاریخی و چه اسطوره‌ای که هر کدام به طور کامل شرح شده است - بررسی می‌گردد. آنگاه این جنگ‌ها مطابق اصول و روش‌های نبرد امروز، نام‌گذاری می‌گردد و تطبیق این روش‌ها با هم، نشان از راهبردی بودن روش‌های نبرد

۱ - هانس دلبروک، مورخ و پژوهشگر آلمانی. از آثار معروف او کتاب هنر جنگ است که در چهار جلد نوشته شده است.

در شاهنامه دارد. این جنگ‌ها بر اساس جامعه‌ی آماری نیز بررسی شده‌اند که تا حد ممکن درصد فراوانی هر روش جنگی را نمایش دهد.

حماسه

حماسه در لغت به معنی دلیری کردن، شجاعت و دلاوری است (دهخدا، ص ۸۰۷۴) و در اصطلاح به اشعاری که در توصیف اعمال پهلوانی، جنگ‌ها، افتخارات و شرح نبردهای قومی یا شخصی است، اطلاق می‌شود و به تعبیر ارسطو (ارسطو، ۱۳۶۲، ص ۳۵): «نوعی تقلید و محاکات است به وسیله وزن که از احوال و اطوار مردان بزرگ و جدی به عمل می‌آید.»

ایرانیان، یونانیان، هندوان، رومیان، آلمانی‌ها و فرانسویان موفق به خلق آثار حماسی ارزنده‌ای شده‌اند. شاهنامه فردوسی، ایلید و ادیسه‌ی همر، رامایانا و المیکي، مابهاراتای یاسای هندی، انه‌اید ویرژیل، حماسه‌ی آلمانی بلونگن و مجموعه‌ی شانسون دوژست فرانسوی نمونه بارز آثار حماسی ملت‌های فوق است. (صفا، ۱۳۷۰، ص ۶ و ۱۸)

جنگ^۱

تعریف جنگ: واژه‌ی جنگ مترادف واژه‌ی رزم، جدال، قتال، کارزار، ستیزه، نبرد، ناورد، پیکار، غزوه و حرب است. (دهخدا، ص ۶۹۱۸)

فرهنگ روابط بین‌الملل جنگ را چنین تعریف می‌کند: «جنگ عبارت است از اقدام‌های خصمانه بین کشورها یا در داخل یک کشور یا سرزمین که توسط نیروهای مسلح اجرا می‌گردد» (پیروزان، ۱۳۷۰، ص ۲۰۰).

اصول جنگ و بازتاب آن در شاهنامه

اصول جنگ، مجموعه قواعد کلی است که هدایت نبرد به واسطه آنها انجام می‌گیرد. با تحقیق در کتب نظامی، تا قبل از جنگ جهانی اول به فهرستی تحت عنوان اصول جنگ برخورد نمی‌کنیم. برای اولین بار، این فهرست، توسط فولر^۱ مورخ و نظریه پرداز انگلیسی در سال ۱۹۱۱. م ارائه گردید، و به عنوان دکترین^۲ (آیین) ارتش آمریکا پذیرفته شد لیکن در سال ۱۹۴۳. م منسوخ گردید. (کریمی، ۱۳۷۰، ص ۴) دوباره در سال ۱۹۴۹. م با اندکی تغییر آمریکایی‌ها در عمل آنرا به عنوان اصول نه‌گانه جنگ پذیرفتند، این اصول^۳ عبارتند از:

- | | | |
|------------------|-------------------------|----------------------|
| ۱- اصل هدف | ۴- اصل صرفه‌جویی در قوا | ۷- اصل غافلگیری |
| ۲- اصل آفند | ۵- اصل رزمایش (مانور) | ۸- اصل سادگی |
| ۳- اصل تمرکز قوا | ۶- اصل تأمین | ۹- اصل وحدت فرماندهی |

بازتاب این اصول و چگونگی آنها در شاهنامه را به مرور می‌توان در بخش‌های بعدی این کتاب مشاهده کرد:

۱- اصل هدف: عبارت است از مقصود نهایی که کلیه تلاش نیروهای نظامی به طرف آن متمرکز و هدایت می‌گردد. بنابراین هر فرمانده باید اول هدفش را بداند، دوم در کمال وضوح آن را مشخص، و سپس در مورد عملی که مورد نظر است، اقدام کند. در جنگ رستم با افراسیاب، هدف، کین خواهی خون سیاوش بود و با این هدف، رستم و سپاهیان با یک حمله همه جانبه دشمن را تا عمق مواضعش تعقیب کردند.

1 - Fuller

۲ - دکترین (آیین): اصول بنیادی است که بر مبنای آن، نیروهای نظامی و عناصر تشکیل دهنده آن اقدام‌های خود را در جهت پشتیبانی از منابع ملی هدایت می‌کنند. اعمال دکترین تعیین شده الزامی است ولی نحوه اجرای آن بستگی به نظر و قضاوت مسئولین امر و شرایط محیط دارد.*

3 - Applied military History , Course. Forleavon worth, Kansas, Accademic- year 1977-78

۲- **اصل آفند:** آفند لازمه رسیدن به نتیجه‌ی قطعی و حفظ آزادی عمل است. در عملیات آفندی، اگر یک یگان اراده خود را به دشمن تحمیل کند ابتکار و آزاد عمل را حفظ می‌نماید. در شاهنامه فرماندهان با تقویت روحیه قوای خود و تحریک حس میهن پرستی، اراده و قدرت روحی آنها را بالا برده و ضمن انتخاب هدف، زمان و وسایل انجام مأموریت، نوع آفند را انتخاب می‌کنند و ابتکار عمل را به دست می‌گیرند.

۳- **اصل تمرکز قوا:** عبارت است از برتری قدرت رزمی در زمان و مکان مناسب برای زدن ضربه کامل به نقطه‌ی ضعیف دشمن، به طوری که قدرت رزمی او در هم شکسته و یا در وضعیتی قرارگیرد که در هم شکسته شود. این اصل در شاهنامه و در بخش اسطوره‌ای با از پا درآوردن قهرمان یا پهلوان اول دشمن نمود پیدا می‌کند.

۴- **اصل صرفه جویی در قوا:** عبارت است از استعمال حداقل نیرو در یک منطقه به منظور به کار بردن نیروی بیشتر در مناطق دیگر. این اصل در بسیاری از جنگ‌های شاهنامه مورد استفاده قرار گرفته اما بطور برجسته می‌توان به بهره‌گیری از یک قهرمان یا پهلوان قبل از جنگ و رویارویی او با پهلوان مقابل اشاره کرد که تا حد زیاد نتیجه‌ی جنگ را مشخص کرده و در برخی موارد از جنگ گروهی اجتناب می‌شد و در نتیجه نفرات کمتری از بین می‌رفتند. همچنین استفاده از منجنیق و تله‌های انفجاری که در بخش تاریخی تنوع می‌یابد بهترین نمونه برای به کارگیری این اصل بوده است.

۵- **اصل رزمایش:** این اصل یعنی مانور یا تحرک و عبارت است از تغییر محل عده‌ها و آتش‌ها به طرف دشمن در زمان و مکان مناسب برای اجرای مأموریت محوله. این اصل چندین بار در شاهنامه مورد استفاده قرار گرفته است مثلاً در هنگام حمله افراسیاب، رستم به گیو دستور می‌دهد تا عده‌ای از نیروها را جابجا کند و در محلی جلوتر با نیروهای افراسیاب درگیر شود و عملیات تأخیری را انجام دهد.

۶- **اصل تأمین:** عبارت است از حفاظت در مقابل غافلگیری، عملیات جاسوسی، خراب‌کاری، عملیات ایدایی و دیده‌بانی دشمن. این اصل در واقع در بیشتر جنگ‌های گروهی شاهنامه به کار گرفته شده است. نمونه‌ی کامل و بارز این اصل را می‌توان در جنگ گودرز با پیران مشاهده کرد.

۷- **اصل غافلگیری:** غافلگیری یعنی ضربه زدن به دشمن در زمان و مکانی که انتظار آن را نداشته باشد. این اصل در شاهنامه تحت عنوان شبیخون یاد شده است که در قسمت بعد به طور کامل تشریح شده است.

۸- **اصل سادگی:** عبارت است از مشخص بودن و ساده بودن دستورها و طرح‌های نظامی. به روشنی می‌توان دریافت که این اصل توسط فرماندهان در بیشتر جنگ‌های شاهنامه به کار گرفته شده است.

۹- **اصل وحدت فرماندهی:** عبارت است از داشتن اختیار لازم و به کار بردن حداکثر تلاش تمام نیروها برای رسیدن به هدف نهایی. در شاهنامه فرماندهان عمده، (سپهبد) از فرماندهی مطلق برخوردار بودند آنها اگرچه به پیشنهادهای دیگر سرداران خود توجه داشتند اما سرانجام تصمیم گیرنده نهایی بودند و با قدرت و قاطعیت دستورها را صادر می‌کردند.

جنگ در شاهنامه

همان‌طور که می‌دانیم، شاهنامه یک اثر حماسی است و اصلی‌ترین موضوع در آثار حماسی، جنگ و جلوه‌های گوناگون آن است. بازتاب موضوعات دیگر در آثار حماسی، معمولاً در ضمن بیان وقایع جنگی عنوان می‌شود. به‌طور یقین می‌توان گفت که حدود ۸۰٪ از حجم شاهنامه را شرح و بیان وقایع جنگی که بین ایرانیان و دشمنان آنها اتفاق می‌افتد، تشکیل می‌دهد. در واقع همه جنگ‌های ایرانیان به پاس دفاع است یا برای کین‌خواهی.

جنگ‌ها در شاهنامه در شکل‌های گوناگون اتفاق می‌افتند:

۱- جنگ میان انسان‌ها ۲- جنگ انسان با دیو و موجودات اهریمنی ۳- جنگ انسان با حیوانات وحشی

چگونگی تشکیل ارتش

بنابه روایات شاهنامه تا عهد اردشیر، تشکیلات منظمی تحت عنوان ارتش یا سپاه وجود نداشت، زیرا سرزمین ایران توسط حکمرانان محلی که هر یک در منطقه تحت تسلط خود حکومت مستقل داشتند، اداره می‌شد. این حکومت‌های محلی، تحت سرپرستی حکومت مرکزی، اتحادیه‌ای را به وجود آورده‌اند که وظیفه‌ی آن حفظ و حراست از مرزهای ایران بود. (خانلری، ص ۵۶۸)

کنون از خردمندی اردشیر	سخن بشنو و یک به یک یادگیر
به درگاه چون ساخت لشکر فزون	فرستاد بر هر سویی رهنمون
که تا هر کسی را که دارد سپر	نماند که بالا کند بی‌هنر
سواری بیاموزد و رسم جنگ	به گرز و کمان و به تیر خدنگ
چو کودک زکوشش به نیرو شدی	به هر بخش اندر بی‌آهو شدی
ز کشور به درگاه شاه آمدی	بدان نامور بارگاه آمدی
چو جنگ آوری نو رسیده جوان	برفتی ز درگاه با پهلوان

(شاهنامه، ۱۳۸۴ ص ۹۴۵)

ارکان ارتش

ارکان ارتش به‌طور کلی در شاهنامه از پیاده‌نظام، سواره‌نظام و فیل‌سواران تشکیل می‌شوند.

۱- پیاده‌نظام: در جنگ‌ها قسمت اصلی قشون است. چون یگانه صنفی است که نوع زمین‌قادر به حرکت بوده و به عنوان نیروی نبرد نزدیک شناخته شده‌اند.

پیاده که بد در خور کارزار بفرمود تا پیش روی سوار

سپردار با بادپایان سران	صفی برکشیدند نیزه وران
کز آتش به خنجر بردند رنگ	پس پشت ایشان سواران جنگ
زمین از پی پیل گشته ستوه	پس پشتشان ژنده پیلان چو کوه

(همان، ص ۵۱۱)

۲- سواره نظام: سواره نظام در شاهنامه از اهمیت زیادی برخوردار است و قسمت عمده جنگ را برعهده داشته است، مخصوصاً در مواقعی که سرعت عمل ایجاب می کرده از آن استفاده می شده است.

۳- فیل سواران: گروه سومی که در جنگها مورد استفاده قرار می گرفت، فیل سواران بودند. کاربرد فیل سواران در عهد تاریخی شاهنامه، خصوصاً در دوره‌ی ساسانیان بیشتر است. معمولاً بر پشت فیل، برج چوبی بزرگی می بستند و چند تیرانداز در این برج قرار می گرفتند و از سوراخ‌های برج، تیراندازی می کردند. (مقتدر، ۱۳۱۸، ص ۹۰)

کاربرد دیگر فیلها، سد نمودن قسمت جلو لشکر به وسیله آنها به عنوان یک سنگر دفاعی مصنوعی بوده است.

شیوه فرماندهی در شاهنامه

در سراسر شاهنامه، اعم از دوره‌ی پهلوانی و تاریخی، یک روش واحد فرماندهی سپاه وجود دارد و آن بدین ترتیب است: اگر پادشاه خود، مستقیماً در جنگ شرکت نداشته باشد، با نوشتن منشوری یا دادن مهر فرماندهی، یکی از فرماندهان را به فرماندهی کل سپاه برمی‌گزیند و درفش کاویانی را - که نماد وحدت ایرانیان است- به او می سپارد. فرمانده کل در شاهنامه عنوان «سپهد» دارد. (خانلری، ص ۵۶۰)

صف آرای در شاهنامه

سپاه به ۴ قسمت اصلی و چند دسته فرعی تقسیم می‌گردد:

الف) دسته‌های اصلی

۱- میسره: قسمت چپ لشکر است که معمولاً بیشتر نیروهای تشکیل دهنده آن، افراد سواره نظام هستند. فرماندهی آنها را یکی از دلاوران سپاه که فرماندهی کل آن را انتخاب می‌کرد، به عهده می‌گیرد.

۲- میمینه: قسمت راست لشکر است. بیشتر افراد تشکیل دهنده آن نیز معمولاً سواره نظام هستند. همچنین فرماندهی آنها را یکی از دلاوران سپاه که توسط فرمانده کل انتخاب می‌شود، به عهده می‌گیرد.

۳- قلب: مهمترین قسمت سپاه است که مرکز فرماندهی و جایگاه استقرار فرمانده کل سپاه است. زبده‌ترین و کارآمدترین نیروهای رزمی معمولاً در این قسمت مستقر می‌شوند.

۴- ساقه: یا قسمت پشت سپاه، گروهی از سپاهیان هستند که کار آنها حفاظت از قسمت عقب لشکر از حملات ناگهانی است. نیروهای تشکیل دهنده این صنف نیز سواره نظام هستند، چون از قدرت تحرک بیشتری برخوردارند. معمولاً ساقه با مقداری فاصله از پشت سر لشکر حرکت می‌کند و فرمانده جداگانه دارد.

ب) دسته‌های فرعی

۱- طلایه (جلودار): از مهمترین دسته‌های فرعی است. وظیفه‌ی طلایه آن است که پیشاپیش سپاه حرکت کند تا راه را برای عبور سپاه بی‌خطر کند و اگر دشمن پیش‌آید، سپهد (فرمانده کل) را خبر کند. به طلایه در اصطلاح نظامی امروز «جلو دار یا پیشرو» گفته می‌شود.

۲- کارآگهان: وظیفه این گروه کسب اطلاع از وضعیت دشمن است. این افراد در هیأت غیرنظامی به مواضع دشمن نفوذ می‌کنند و از اوضاع دشمن اعم از تعداد نفرات،

تجهیزات، نقاط ضعف و قوت او اطلاع حاصل می‌کنند و کار آنها معمولاً با عملیات جاسوسی همراه است که بسیار حائز اهمیت است. به کارآگاهان در اصطلاح نظامی امروز «نیروهای اطلاعاتی» می‌گویند.

۳- دیده‌بانان: وظیفه این گروه انجام عملیات دیده‌بانی و مراقبت از حرکت نظامی دشمن است. دیده‌بانان معمولاً در نقاط مرتفع مثل تپه‌ها و قلعه کوه مستقر می‌شوند و نزدیک شدن دشمن به مواضع خودی را به اطلاع فرماندهی می‌رسانند.

۴- روزبانان: اینها نگهبانان لشکر هستند که در اطراف سپاه می‌گردند تا احیاناً کسی از لشکر فرار نکند و نیز در انجام وظایف خود سستی ننمایند. (همان، ص ۵۱۵) به روزبانان در اصطلاح نظامی امروز «دژبان» گفته می‌شود.

۵- بنه: آذوقه و آلات ذخیره جنگ است که در هنگام حرکت سپاه در جلوی لشکر حرکت می‌کند و در هنگام جنگ با چند فرسنگ فاصله در پشت صفوف لشکر قرار می‌گیرد و گروهی از لشکریان به نگهبانی از آن مأمور می‌شوند. بنه امروزه به همین نام و در دو نوع صحرايي و رزمی وجود دارد.

۶- کمینور: کار این گروه کمین کردن در سر راه دشمن و کند نمودن حرکت و سد نمودن راه اوست. گروه کمینور در همه موارد تشکیل نمی‌شود، بلکه فقط در مواردی که دشمن قصد شبیخون دارد، تشکیل می‌شود. نیروهای تشکیل دهنده این گروه از افراد زبده و به اصطلاح امروز «ضربت» نامیده می‌شوند. عملیات این گروه بیشتر در خط مقدم جبهه یا به اصطلاح نظامی امروز در «لجمن» یا لبه جلویی منطقه نبرد، صورت می‌گیرد.

چنان‌که ملاحظه گردید صورت بندی اصلی تاکتیکی سپاه ایران، متشکل از نیروهای سواره و پیاده‌نظام به این صورت بود که یگان‌های سواره‌نظام در طرفین سپاه (میسره و میمنه) و نیروهای پیاده‌نظام در چند ردیف از طلایه تا ساقه را پوشش می‌دادند. امروزه

به جای سواره‌نظام از یگان سوار زرهی برای پهلوداری و جلوداری استفاده می‌شود. این تاکتیک، از یک نوع تاکتیک رزمی، موسوم به فالانژ، سرچشمه می‌گیرد که اسکندر بر مبنای همین آرایش به ایران حمله کرد.

تفکرات جنگی ایرانیان و شگردهای آن

یکی از عوامل پیروزی ساز در جنگ، استفاده از روش‌ها و شیوه‌های مختلف است. به روش‌های جنگ، امروزه «تاکتیک» گفته می‌شود. با مطالعه آثار به جای مانده از سرگذشت کشور ایران، مخصوصاً شاهنامه‌ی فردوسی پی‌می‌بریم که یکی از عوامل مهم برتری ایرانیان، قدرت نظامی آنها و راز برتری نظامی آنان برخوردار از تفکر نظامی و فنون مختلف جنگی بوده است، بنابراین بررسی و شناخت این روش‌ها ضرورت دارد و شاهنامه‌ی فردوسی یکی از آثار منعکس‌کننده‌ی شیوه‌های جنگی قوم ایرانی است

مقایسه دو دوره اساطیری (پهلوانی) و تاریخی با هم

روش‌های جنگی به‌کار گرفته‌شده در شاهنامه متفاوت است که آنها را در دو بخش جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم: - بخش اساطیری و پهلوانی - بخش تاریخی

۱- **بخش اساطیری و پهلوانی:** همان‌طور که در بخش شناخت دشمنان ایران بیان نمودیم، در بخش اساطیری و پهلوانی شاهنامه با یک جامعه در حال تغییر و تحول روبرو هستیم. جامعه‌ای که از حالت گله‌داری و چادرنشینی، به حالت شهرنشینی و ساکن‌شدن تغییر شکل می‌دهد.

۲- **بخش تاریخی:** ابتدایی‌ترین و مدرن‌ترین روش‌های جنگ در این دوره دیده می‌شود.

با یادآوری این نکته که شاهنامه یک اثر حماسی است و مبالغه از عناصر اصلی حماسه است، در نتیجه اعداد و ارقام، چندان اعتباری ندارند و تعداد نیروهایی که

ایرانیان و دشمنان آنها در جنگ به کار می‌گیرند. مورد پذیرش عقل نیست، به ذکر روش‌های جنگی در بخش اساطیری شاهنامه می‌پردازیم.

روش‌های نبرد در بخش اساطیری

۱- **غافلگیر کردن:** اصل غافلگیری، یکی از اصول اولیه و اساسی در جنگ است زیرا در این حالت، دشمن قدرت عکس‌العمل نداشته و با تعداد محدودی از نیروهای زبده، می‌توان تلفات سنگینی به دشمن وارد ساخت.

همان‌طور که برای حفظ آزادی عمل خود باید از غافلگیر شدن اجتناب کرد، به همان قسم نیز برای ربودن آزادی عمل دشمن، باید سعی کرد تا او را غافلگیر نمود. غافلگیری زمانی حاصل می‌شود که دشمن واقعاً قادر نباشد ضربتی را که بر او وارد می‌آورند به موقع دفع نماید. (بهارمست، ص ۱۲۸) اصل غافلگیری که یکی از اصول نه‌گانه جنگ است با حفظ اسرار، اختفاء حرکات و سرعت و اطلاعات کافی از دشمن و تنوع در طرح‌های عملیاتی به دست می‌آید و چنانچه به وسیله اقدامات احتیاطی نگذاریم دشمن اطلاعاتی از مقاصد ما کسب کند (ضد اطلاعات) و در مقابل اطلاعات غلطی به دشمن بدهیم، به نحو بهتر و مطلوب‌تر خواهیم توانست دشمن را غافلگیر نماییم (مانند نبرد کرنال) از روش‌های غافلگیر کردن در شاهنامه می‌توان به سه روش شبیخون، پیشدستی و حمله از پشت سر اشاره کرد.

الف) شبیخون: یکی از پر کاربردترین روش‌های جنگی مورد استفاده در تمام ادوار شاهنامه شبیخون است. شبیخون یک حمله ناگهانی شبانه، برق‌آسا و غافلگیرکننده علیه دشمن است که با افراد معدود و زبده انجام می‌گیرد. شبیخون در دنیای امروز نیز کاربرد دارد مخصوصاً، در جنگ‌های پارتیزانی (چریکی) که بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد. هر چند ایرانیان عملیات شبیخون را یک روش ناجوانمردانه می‌دانستند (کزازی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۵-۱۷۶) اما باید گفت در شاهنامه شبیخون از فنی‌ترین و زیباترین فنون جنگی است.

شبیخون پیران بر ایرانیان به فرماندهی طوس:

سواران شمشیر زن سی هزار	گزین کرد از آن لشکر نامدار
به بانگ تیره نه بوق چلب	برفتند نیمی گذشته ز شب
میان یلان هفت فرسنگ بماند	چو پیران سالار لشکر براند
کجا بود بر دشت توران یله	نخستین رسیدند پیش گله
نبود از بدبخت مانده چیز	گرفتند و کشتند بسیار نیز
سر بخت ایرانیان گشته شد	گله دار و چوپان بسی کشته شد
برفتند برسان گرد سپاه	وزان جایگه سوی ایران سپاه
گروهی نشسته گشاده میان...	همه مست بودند ایرانیان
یکی بانگ برخاست از رزمگاه	سپاه اندر آمد به گرد سپاه
زیر تیغ و شمشیر و کویال گرم	به زیر سرمست، بالین نرم
به لشکر نگه کرد گیو دلیر	سپیده چو سر برزد از برج شیر
زمین سر به سر چون گل آغشته دید	همه دشت از ایرانیان کشته دید

(شاهنامه، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۳۶۰، بیت ۱۱۵۵-۱۱۷۹)

ب) پیشدستی: پیشدستی یکی دیگر از روش‌های به کار گرفته شده نبرد در شاهنامه است. بدین صورت که بعد از آگاهی یافتن از قصد حمله دشمن، برای برهم زدن سازمان رزم او، به طور ناگهانی به مواضع دشمن حمله می‌کنند.

ج) حمله از پشت سر (نفوذ به عقبه دشمن): یکی از فنون مهم نبرد که غالب فرماندهان معروف و مخصوصاً ناپلئون بدان معتقد بوده و همواره بدان عمل می‌کردند، حمله به عقب سر دشمن است که در اصطلاح نظامی امروز «مانور از عقب» نامیده می‌شود. (کریمی، ۱۳۷۰، ص ۷۱) امروزه مانور از عقب به چند روش انجام می‌گیرد که عبارتند از: مانور دورانی، مانور احاطه‌ای (یکطرفه، دو طرفه و قائم).

۲- محاصره کردن: یکی دیگر از روش‌های جنگی به کار گرفته شده در شاهنامه، محاصره کردن است. در این روش برای وادار به تسلیم نمودن دشمن، سعی می‌کنند، مواضع اطرافش را حلقه‌وار تصرف نمایند و راه فرار او را ببندند و با تنگ‌تر کردن

حلقه‌ی محاصره، که پیامد آن کمبود مواد غذایی، مهمات و علوفه حیوانات است، دشمن را وادار به تسلیم می‌کند.

در دومین جنگ ایرانیان با تورانیان به فرماندهی توس برای کین خواهی سیاوش، ایرانیان شکست می‌خورند و با استفاده از تاریکی شب، عقب نشینی می‌نمایند:

فرستاد و بگرفت بر کوه راه	چو بشیند پیران به هر سو سپاه
سپاه انجمن گشت بر گرد کوه	زهر سو بیامد ز توران گروه
سپهبد سوی چاره جنگ شد	بریشان چو راه علف تنگ شد
که ما را پی کوه باید سپرد	چنین گفت هومان به پیران گرد
نبندد ازین پس به کینه میان...	یکی جنگ سازیم کایرانیان
کسی کوه خارا اندارد نگاه	چو راه علف تنگ شد بر سپاه
ازین پس بجویند پیکار ما...	همه لشکر آید به زنهار ما
که ما را کنون جنگ شد ناگزیر	چنین گفت با طوس گودرز پیر
ز یکسو گشاده رهی بیش نیست	سه روز ار بود خوردنی بیش نیست
چنین چند باشد سپه گرسنه	نه خورد و نه چیز و نه بار و بنه
پدید آید آن چادر لاژورد	کنون چون شود روی خورشید زرد
ز بالا شدن سوی دشت نبرد	بباید گزیدن سواران مرد
بسازیم تا چون بود یار بخت...	به سان شبیخون یکی رزم سخت
یکی خاک یابد یکی تاج و گاه	چنین است فرجام آوردگاه
نهادند بر یال گرز ی گران	خود و گیو و گودرز و چندی سران
چو آتش به قلب سپه بر زدند...	به سوی سپهدار پیران شدند
سواران ایران چو شیر ژیان	گرفتندشان یکسر اندر میان

(شاهنامه، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۳۹۰-۳۹۱، بیت ۵۴۴-۵۷۹)

از مهم‌ترین و هوشمندترین نمونه‌های روش محاصره کردن، نبرد تاریخی «کان» بود که طی آن سپاه روم با سپاه آنبیال (سردار سپاه اسپانیا)، در محلی به نام «کان» درگیر شدند. نبرد «کان» شاهکار لشکرکشی و نمونه کامل فنّ احاطه و محاصره بود. یکی از

دلایل پیروزی آنیبال^۱ این بود که ارتش خود را به صورت یک مجموعه قابل انعطاف درآورد، چیزی که رومی‌ها به آن نرسیده بودند.

۳- استفاده از موانع طبیعی به عنوان سنگر دفاعی: موانع طبیعی که ایرانیان از آن به عنوان یک سنگر دفاعی استفاده می‌کردند عبارتند از کوه، ریگزار و رودخانه.

الف) کوه: کوه یک مانع طبیعی محکم است که در مواقع لزوم از آن به عنوان یک سنگر استفاده می‌شود اولاً به علت وجود شیب در کوه، بالا رفتن نیروها از آن با سختی و کندی انجام می‌گیرد، ثانیاً به علت اشرف داشتن افرادی که در بالای آن، سنگر گرفته‌اند، با تعداد کمی از افراد و سلاح‌های سبک، در مقابل دشمن می‌شود، مقاومت کرد و ضربات شدیدی را به او وارد ساخت.

ب) ریگزار: ریگزار، یک سد طبیعی و حایل مناسب برای جلوگیری از پیشروی سریع دشمن است. به علت شرایط طبیعی ریگزار، حرکت در آن به کندی انجام می‌گیرد و اجرای عملیات جنگی در آن بسیار محدود است و با تعداد کمی از نفرات و تجهیزات اندک می‌توان از نفوذ دشمن از آن سمت جلوگیری کرد.

انجام عملیات عمده و گسترده در ریگزار امکان‌پذیر نیست. کیخسرو در جنگ بزرگ خود با افراسیاب، از این مانع طبیعی برای جلوگیری از حمله ناگهانی دشمن استفاده کرد ولی در هنگام آرایش سپاه خود به گونه‌ای عمل کرد که ریگزار دشت

۱- طرح آنیبال: با توجه به این نکته که دشمن یک سوّم نیروی خود را به منظور حفاظت از اردوگاه، از شرکت در جنگ محروم ساخته بود، آنیبال این فرصت را غنیمت شمرد. او مرکز آرایش خود را به شکل قوسی به سوی جلو درآورد و آن را ضعیف نشان داد، پشت عده‌های خود را به رودخانه متکی کرد، تا هم از پهلوها دور نخورد و هم آنها را وادار به مقاومت کند. او پیش‌بینی می‌کرد که دشمن با حمله به این قوس ضعیف، به تدریج در میان گرفته‌شود و توسط سواره نظام از پهلوها به محاصره درآید. این امر به حقیقت پیوست و هنگامی که رومی‌ها متوجه شدند که راه عقب‌نشینی آنها بسته شده‌است، هرگز نتوانستند با هم متحد شوند و سرانجام دو سوّم افراد آنها به هلاکت رسیدند.

خوارزم، در سمت راست لشکر او قرار گرفت و حمله سریع دشمن از آن سو امکان پذیر نبود.

ج) رودخانه: رودخانه پر آب نیز یکی دیگر از موانع طبیعی مهم برای جلوگیری از عملیات سریع دشمن است. عبور نفرات و تجهیزات سنگین از رودخانه بسیار مشکل است. حتی با توجه به پیشرفت مهندسی جنگ و ساخت پل‌های متحرک در جنگ‌های امروزی، یکی از مراحل مشکل نبرد، عبور نیروها از رودخانه است، زیرا طرف مقابل می‌تواند با استفاده از ساده‌ترین سلاح دوربرد، از عبور آنها جلوگیری کرده، یا عبور آنها را مختل نماید.

گودرز در جنگ با پیران، سپاه خود را طوری آرایش می‌داد که از سمت راست، منتهی به مانع طبیعی کوه می‌شد و در سمت چپ سپاه، رودخانه پر آب وجود داشت و سه هزار نفر از سپاهیان را مأمور حفاظت از ساحل رودخانه کرد.

۴- ایجاد موانع مصنوعی بر سر راه دشمن: موانع مصنوعی را از حیث ارزش می‌توان در ردیف موانع طبیعی دانست و از نمونه‌های آن می‌توان به خندق‌های عمیق، طغیان دستی آب و... اشاره کرد. موانع مصنوعی در شاهنامه به سه شکل ایجاد شده است:

الف) خندق: یکی از راه‌های ایجاد استحکامات و مواضع مصنوعی کردن خندق در اطراف سپاه خودی بوده است. این خندق‌ها عمیق کنده، و پر از آب می‌شد. خندق هنگام شب بهترین وسیله‌ی دفاعی برای جلوگیری از حمله ناگهانی دشمن بوده است. کیخسرو در جنگ با افراسیاب، برای جلوگیری از حمله ناگهانی دشمن در جلوی لشکر خندقی حفر می‌کند و در هنگام شب در آن آب جاری می‌سازد.

ب) چاه کردن: یکی دیگر از ایجاد موانع مصنوعی، کردن چاه در سر راه دشمن است. پس از کردن چاه در داخل آن، آلات برنده و نوک تیز از قبیل نیزه و نشان و غیره کار می‌گذاشتند و سر آن را می‌پوشاندند و استتار می‌نمودند. نمونه‌ی بارز آن در بخش

پهلوانی شاهنامه توسط شغاد، برادر ناتنی رستم، است که در نتیجه آن، جهان پهلوان شاهنامه کشته می‌شود.

ج) بستن راه به وسیله فیل: از دیگر راه‌های ایجاد موانع مصنوعی، بستن راه توسط گروه فیل‌ها بوده‌است. در این روش فیل‌ها را که مجهز به برج تیراندازان بودند به صورت گروهی در پیش سپاه قرار می‌گرفتند و بدین وسیله سدّی برای جلوگیری از نفوذ دشمن ایجاد می‌کردند. فیل‌ها در قدیم به منزله‌ی تانک‌ها و نفربرهای زرّهی امروز بوده‌اند. در جنگ دوازده‌رخ، گودرز برای جلوگیری از حمله‌ی شبانه سپاه توران، دستور داد تا جلو سپاه را به وسیله فیل ببندند.

۵- جنگ دژ: یکی دیگر از استحکاماتی که ایرانیان و دشمنان آنها در مقابل یکدیگر ایجاد می‌کردند، دژ یا قلعه بود. این دژها معمولاً بسیار محکم و بلند ساخته می‌شد و در آن برای مدت مدیدی آذوقه لشکر وجود داشت. وسایل دفاع نیز در آن از همه‌گونه فراهم بود. این دژها معمولاً راه‌های پنهانی زیرزمینی برای گریز داشتند. (خانلری، ص ۵۷۸) امروزه به دژ، مواضع سدکننده گفته می‌شود. البته شکل ظاهری آن با دژهای قدیم متفاوت است.

ایرانیان برای نفوذ در دژها و تصرف آنها، شگرد خاصی بدین ترتیب داشتند؛ ابتدا زیر دیوار دژ را مقداری می‌کنند، سپس در زیر پایه دژ ستون‌هایی از چوب قرار می‌دادند و آنرا به نفت آغشته می‌کردند؛ آنگاه ستون‌های چوبی را آتش می‌زدند. بر اثر حرارت آتش و سوختن ستون‌ها، قسمتی از دیوار دژ فرو می‌ریخت و بدین وسیله به داخل دژ نفوذ می‌کردند. رستم از این روش برای تصرف دژ کافور آدم‌خوار استفاده نمود.

۶- نفوذ به مواضع دشمن با لباس مبدل: یکی از روش‌های جنگی بسیار جالب که در شاهنامه مورد استفاده قرار گرفته است، نفوذ به عمق مواضع و استحکامات دشمن با لباس مبدل و به صورت ناشناس است. در این روش عده‌ای از نیروهای ورزیده و ماهر نظامی با لباس غیرنظامی و یا لباس نظامی دشمن، به صورت ناشناس به عمق

مواضع و استحکامات دشمن نفوذ می‌کنند و پس از شناسایی مواضع دشمن و در هنگام شب، در موقع مناسب به خراب‌کاری و عملیات نظامی اقدام می‌کنند.

در دنیای پیشرفته امروز نیز این روش، یکی از روش‌های مهم نظامی است و در ارتش‌ها، برای انجام چنین عملیاتی، نیروهای ویژه‌ای را تربیت می‌کنند که به آنها «کماندو» یا نیروی مخصوص می‌گویند و به این نوع عملیات، «عملیات کماندویی» گفته می‌شود. این روش بیشتر در بخش پهلوانی شاهنامه مورد استفاده قرار گرفته است. در این روش پهلوان ایرانی اغلب در هیأت بازرگانان به دژهای دشمن راه می‌یابد. این نیرنگ را پهلوانان ایرانی در تصرف دژهای گوناگون به کار گرفته‌اند به عنوان نمونه نفوذ اسفندیار به رویین دژ با این تاکتیک صورت می‌گیرد:

ارجاسب تورانی به ایران حمله می‌کند و پس از شکست دادن گشتاسب، خواهران اسفندیار را به اسارت می‌برد. اسفندیار که مورد غضب پدر واقع شده، در زندان به سر می‌برد، به فرمان گشتاسب آزاد می‌شود ولی برای رهایی خواهران خود با سپاهی به توران زمین می‌رود. پس از گذشتن از هفت‌خوان، به رویین دژ می‌رسد. دستور می‌دهد، کاروانی آماده سازند، آنگاه صد و شصت تن از دلاوران خود را در صندوق‌های کاروان پنهان می‌سازد و خود به عنوان رئیس کاروان، در لباس کاروانیان به سوی دژ رویین حرکت می‌کند.

اهل دژ از کاروانیان استقبال می‌کنند. اسفندیار به حضور ارجاسب رسیده و او را با هدیه دادن می‌فریبد و امان‌نامه دریافت می‌کند. هنگام شب با روشن کردن آتش برپام دژ، به پشتون، برادر خود، علامت می‌دهد و سپاه ایران به رویین دژ حمله می‌کند. اسفندیار نیز از داخل دژ با دلاوران همراه خود به کاخ ارجاسب یورش می‌برد و فرمانروای توران را از پای در می‌آورد.

به پیش پشتون به زانو نشاند
بیارا سرافراز با رنگ و بوی

وزان جایگه ساریبان را بخواند
بدو گفت صد بار کش سرخ موی

از ده شتر بار دینار کن	دگر پنج دیبای چین بار کن...
بی‌آورد صندوق هشتاد جفت	همه بند صندوق‌ها در نهفت
چو بازارگانی بدین دژ شوم	نگویم که شیر جهان پهلویم
صد و شصت مرد از یلان برگزید	کزیشان نهانش نیامد پدید
تنی بیست از نامداران خویش	سرافراز و خنجر گزاران خویش
بفرمود تا بر سر کاروان	روند آن گرانمایگان ساریان
به پای اندرون کفش و در تن گلیم	به بار اندرون گوهر و زر و سیم
سپهبد به دژ روی بنهاد تفت	به کردار بازارگانان برفت

(شاهنامه، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۷۵۰، بیت ۴۶۸-۴۷۷)

۷- **ایجاد مواضع دفاعی لایه به لایه (پدافند لایه‌ای):** پدافند عبارت است از هرگونه عملی که با استفاده از کلیه وسایل و امکانات موجود به منظور جلوگیری و مقاومت در مقابل پیشروی دشمن و انهدام نیروهای تک‌ور انجام می‌شود. نیروی پدافند کننده ممکن است به سه صورت پدافند، عملیات تأخیری و پرده پوشش در مقابل تک دشمن مقاومت نماید. (کریمی، ۱۳۷۰، ص ۶۹) در شاهنامه معمولاً از عملیات سدّ و ممانعت که از انواع عملیات تأخیری می‌باشد استفاده می‌گردد. پدافند (دفاع) از مهم‌ترین عملیات نظامی در جنگ است، که به‌طور مستقیم با عوارض زمین رابطه دارد. از مهم‌ترین مواضع پدافندی می‌توان به مواضع مانرهایم در هلند، کانال سوئز، تنگه برینگ و... اشاره کرد.

در جنگ رستم و افراسیاب، گیو، برای ایجاد عملیات تأخیری، یک موضع پدافندی را در سرپل اصلی، که محل عبور سپاه افراسیاب می‌باشد، می‌گیرد. او با دسته‌ای از نظامیان در این قسمت پدافند لایه‌ای را انجام می‌دهد.

۸- **عقب‌نشینی:** یکی از روش‌های متداول در جنگ‌ها عقب‌نشینی می‌باشد معمولاً در جنگ‌ها فرماندهان زمانی احساس کنند که نیروی مقاومت، از نظر نفرات یا تجهیزات در لشکر آنها وجود ندارد یا بعد از شکست، برای جلوگیری از تلفات کم‌تر دادن، فرمان

عقب‌نشینی صادر می‌کنند براساس تعاریف کتب جنگ امروزی (همان، ص ۱۱۴) عقب‌نشینی، نوعی از حرکات به عقب است که در آن تمام یا قسمتی از نیروهای گسترش یافته با دشمن قطع درگیری می‌نمایند.

سپاه ایران به فرماندهی طوس در مرحله‌ی اول پیروز می‌شود، تمام فرماندهان سرمست از این پیروزی به میگساری می‌پردازند و با حالت مستی سپاه خود را رها می‌کنند. پیران، فرمانده با تجربه توران، از وضعیت سپاه ایران آگاهی می‌یابد و فرمان شبیخون می‌دهد و لشکر ایران را تار و مار می‌کند.

ایرانیان بعد از شکست، شبانه به سمت کاسه‌رود عقب‌نشینی می‌کنند و در آنجا سنگر می‌گیرند.

سپیده چو سر برزد از برج شیر	به لشکر نگه کرد گیو دلیر
همه دشت از ایرانیان کشته دید	سر بخت بیدار برگشته دید
دریده درفش و نگون سار کوس	رخ زندگان تیره چون آبنوس
سپهد نگه کرد و گردان ندید	زلشکر دلیران و مردان ندید
همه رزمگه سر به سر کشته بود	تنانشان به خون اندر آغشته بود
پسر بی‌پدر شد پدر بی‌پسر	همه لشکر گشن زیر و زبر
به بیچارگی روی برگاشتند	سراپرده و خیمه بگذاشتند
نه کوس و نه لشکر نه بار و بنه	همه میسره خسته و میمنه
از این گونه لشکر سوی کاسه رود	برفتند بی‌مایه و تار و پود

(شاهنامه، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۳۶۱، بیت ۱۱۷۸-۱۱۸۶)

۹- کسب اطلاعات: به دست آوردن اطلاعات از وضعیت و استعداد نظامی دشمن، یکی از مهم‌ترین تاکتیک‌های نظامی در جنگ‌ها می‌باشد. زیرا با آگاهی از وضعیت و تعداد نفرات و نوع تجهیزات دشمن می‌توان راه مقابله با آنها را انتخاب کرد و ضریب اطمینان پیروزی را بالا برد. (بهارمست، ص ۱۵۹)

دردنیای امروز کسب اطلاعات اهمیت زیادی دارد. معمولاً در ارتش هرکشوری، واحدهای مخصوصی برای این عمل به وجود آمده و با هزینه‌های فراوان افراد ویژه را برای این کار تربیت می‌کنند. نیز وسایل مدرنی از قبیل رادارهای زمینی و پرنده و ماهواره‌ها را برای این کار به خدمت می‌گیرند.

در گذشته نیز به دست آوردن اطلاعات اهمیت زیادی داشت. واحدها و روش‌های مختلفی برای کسب اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گرفت. در شاهنامه نیز از روش‌های کسب اطلاعات به تصویر کشیده شده است که عبارتند از:

۱- کسب اطلاعات توسط جاسوسان؛

۲- کسب اطلاعات توسط فرستاده؛

۳- کسب اطلاعات توسط دیده‌بان؛

۴- به دست آوردن اطلاعات از اسیران جنگی.

۱۰- **کمین کردن:** یکی از روش‌های به کار گرفته شده برای نبرد، کمین کردن بر سر راه دشمن است. این روش بدین گونه است که پس از آگاهی یافتن از حمله دشمن، با عده ای از جنگجویان زبده و کارآمد در جایگاهی مناسب، بر سر راه دشمن پنهان می‌شوند و ناگهان از جلو یا پشت سر به دشمن حمله می‌کنند. کمین معمولاً در جاهای تنگ و باریک مانند دهانه گذرگاه‌ها و به وسیله افرادی که در جنگ با سلاحهای جنگی سبک مهارت دارند، انجام می‌گیرد.

این روش امروزه هم در جنگها و مخصوصاً جنگهای چریکی، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نبرد ترموپیل که نبرد تاریخی خشایارشا علیه یونان بود نقطه عطفی در به کارگیری این روش، (نبرد در تنگه باریک) محسوب می‌گردد. (جمالی، رستمی، ۱۳۸۰، ص ۵۰)

در شاهنامه معمولاً ایرانیان از این روش استفاده می‌کنند. به عنوان مثال، منوچهر پس از آگاهی از شیخون تور، با عده‌ای از سپاهیان ورزیده، بر سر راه او کمین می‌کند و از پشت سر به آنها حمله می‌برد و نابودشان می‌سازد.

دوان زی منوچهر بشتافتند	چو کارآگهان آگهی یافتند
بگفتند تا برنشانند سپاه	رسیدند پیش منوچهر شاه
سوی چاره شد مرد بسیار هوش	منوچهر بشنید و بگشاد گوش
کمین گاه بگزید سالار گرد	سپه را سراسر به قارن سپرد
سواران جنگی و بایسته دید...	کمین گاه را جای شایسته دید

(شاهنامه، ۱۳۸۴، ج ۱، بیت ۷۳۶-۷۵۴)

نمونه دیگر، کمین کردن رهام و بیژن بر سر راه فرود است.

فراز و نشییش همی تاختند	چو رهام و بیژن کمین ساختند
سبک شد عنان و گران شد رکیب	چو بیژن پدید آمد اندر نشیب
بزد دست و تیغ از میان برکشید	فرود جوان ترگ و بیژن بدید
خروشان یکی تیغ هندی به مشت	چو رهام گرد اندر آمد به پشت

(شاهنامه، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۳۵۱، بیت ۸۵۹-۸۶۳)

۱۱- **جنگ روانی:** یکی دیگر از اصول مسلم جنگ، اصل تفوق قوای روحی است. در واقع مقصود از فتح نه فقط انهدام قوای مادی دشمن است. بلکه اضمحلال قوای روحی اوست به وسیله یاس از موفقیت (بهارمست، بی تا، ص ۱۱۴)

جنگ روانی در دنیای امروز نیز از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و یکی از رایج ترین شکل‌های مبارزات دولت‌ها است. ناپلئون درباره اهمیت جنگ روانی می‌گوید: «فقط تصور مغلوبیت است که باعث مغلوبیت می‌شود.» (همان، ص ۱۱۴) جنگ روانی که امروزه در شکل الکترونیک و رسانه‌ای اجرا می‌گردد، در واقع مهمترین و مؤثرترین حربه جنگی محسوب می‌گردد که نتایج و رفتار این نوع عملیات را به وضوح مشاهده می‌کنیم.

رایج‌ترین شکل جنگ روانی در شاهنامه، رجز خوانی‌های پهلوانان قبل از نبرد تن به تن است.. جنگ روانی بیشتر در بخش پهلوانی رایج است.

زیباترین نمونه جنگ روانی در شاهنامه، نبرد رستم با اشکبوس است. اشکبوس، دلاور تورانی به سوی سپاه ایران می‌آید و هم نبرد می‌طلبد. رستم برای مقابله با اشکبوس حرکت می‌کند و عالی‌ترین روش جنگ روانی را اجرا می‌کند. تهمتن برای تضعیف روحیه دلاور تورانی و کم اهمیت شمردن او، پیاده و بدون سلاح‌های متعارف و فقط با یک کمان به مقابله او می‌رود.

کمان به زه را به بازو فکند	به بند کمر بریزد تیر چند
خروشید کای مرد رزم آزمای	هم آوردت آمد مشو باز جای
کشانی بخندید و خیره بماند	عنان را گران کردو او را بخواند
بدوگفت خندان که نام تو چیست	تن بی‌سرت را که خواهد گریست
تهمتن چنین داد پاسخ که نام	چه پرسی کزین پس نبینی تو کام
مرا مادرم نام مرگ تو کرد	زمانه مرا پتک ترگ تو کرد
کشانی بدو گفت بی‌بارگی	به کشتن دهی سر به یکبارگی
تهمتن چنین داد پاسخ بدوی	که ای بیهده مرد پرخاشجوی
پیاده ندیدی که جنگ آورد	سر سرکشان زیر سنگ آورد
به شهر تو شیر و نهنگ و پلنگ	سواراندر آیند هرسه به جنگ
هم اکنون تو را ای نبرده سوار	پیاده بیاموزمت کار زار
پیاده مرا زان فرستاده طوس	که تا اسب بستانم از اشکبوس
کشانی پیاده شود همچو من	زد و روی خندان شوند انجمن
پیاده به از چون تو پانصد سوار	بدین روز و این گردش کار زار..
براوراست خم کردوچپ کرد	خروش از خم چرخ چاچی
کشانی هم اندر زمان جان بداد	چنان شد که گفتی ز مادر نژاد

(شاهنامه، ۱۳۸۴، ج ۴، بیت ۱۲۷۴-۱۳۰۵)

۱۲- **نبرد تن به تن:** یکی از ساده‌ترین و متداول‌ترین شیوه‌های نبرد در شاهنامه جنگ تن به تن است. این جنگ بدین ترتیب است که قبل از رویایی گروهی دو طرف نبرد، یکی از پهلوانان به سوی لشکر دشمن آمده و حریف می‌طلبد و از طرف مقابل نیز دلآوری داوطلب مبارزه با او می‌شود.

گاهی دو رقیب، با قرار قبلی از صحنه جنگ فاصله گرفته و دور از لشکر با یکدیگر به جنگ می‌پردازند و با انواع سلاح‌ها هم می‌جنگند تا سرانجام یکی از آن دو پیروز گردد.

از جمله موارد مورد توجه در جنگ تن به تن، حاکمیت روح جوانمردی بر صحنه نبرد است. مثلاً با هم قرار می‌گذارند که بعد از پیروزی یکی از طرفین، شخص پیروز، به همراه فرد مغلوب که معمولاً دُرفش پهلوان را حمل می‌کند و گاهی هم نقش ترجمانی را برعهده دارد آسیبی نرسد. (سرامی، ۱۳۷۸، ص ۴۶۸)

نهادند پیمان که با ترجمان	نباشند بر خیرگی بد گمان
ز ما هر که یابد رهایی به جان	نگیرد به دل کینه ترجمان

(شاهنامه، ۱۳۸۴، ج ۵، بیت ۷۶۰-۷۶۱)

شکست یکی از دو طرف، تأثیر روحی زیادی در سپاه او می‌گذارد چنانکه در اغلب موارد، کشته شدن فرد مغلوب باعث شکست نهایی سپاه او می‌شود. زیباترین و بیشترین موضوعات شاهنامه شرح همین جنگ‌های تن به تن است. اغلب نتیجه پایان نبرد تن به تن، انگیزه جنگ گروهی می‌شود. جنگ تن به تن بیشتر در ادوار داستانی شاهنامه متداول است.

۱۳- **شکار اسبان:** یکی دیگر از روش‌های نبرد، شکار اسب‌های سواران دشمن است. بدین ترتیب که تعدادی از سپاهیان پیاده مجهز به نیزه‌های بلند، در بین دو سپاه قرار می‌گرفتند و بعد از نزدیک شدن سواران دشمن، با نیزه‌های خود اسب‌های آنها را هدف

قرار داده، سواران آنها را پیاده نموده و نابود می‌کردند. شیوه کار این شکارچیان، درست مانند شکارچیان تانک در جنگ‌های امروزی است که به وسیله سلاح ضد تانک از قبیل آرپی جی ۷، اس پی جی ۹ و موشک‌ها به شکار تانک‌ها اقدام می‌کنند. این روش چهار بار در بخش پهلوانی شاهنامه مورد استفاده قرار گرفته است.

۱۴- **و ادار کردن دشمن به تسلیم با شکنجهی خویشانش:** این روش معمولاً برای دستگیری دشمن فراری مورد استفاده قرار می‌گیرد و بدین ترتیب است که یکی از خویشان فراری که وی خیلی به او علاقه‌مند است، با شکنجه زجرکش می‌کند تا شخص فراری برای نجات او خود را تسلیم کند. این روش رایج‌ترین شیوه دستگیری مبارزان سرزمینهای اشغالی توسط نیروهای آلمان نازی در جنگ جهانی دوم بوده است. (فانی، ۱۳۷۷، ص ۸۸۹)

آلمان‌ها در مقابل هر عامل خراب‌کار یا هر شخصی که یکی از نظامیان آلمانی را ترور کرده بود و خود را تسلیم مقامات آلمانی نمی‌کرد، ده یا بیست نفر از مردم بی‌گناه کوچه و بازار را اعدام می‌کردند البته این روش از نظر وجدان انسانی پسندیده نیست اما اشخاصی که ایرانیان این روش مبارزه را در رابطه با آنها به کار بردند، اشخاص بی‌گناهی نیستند بلکه افراسیاب و برادرش گرسیوز هستند که با به قتل رساندن سیاوش - شاهزاده ایرانی - دوره‌ی جدیدی از کینه، خونریزی و جنگ‌های خانمان‌سوز بین ایرانیان و اهل توران را پایه‌گذاری کردند.

۱۵- **دفاع در مقابل زهر مار (پدافند شیمیایی):** یکی از روش‌های مدرن جنگی امروزی، استفاده از مواد شیمیایی است. معمولاً مواد شیمیایی را به وسیله ابزارهای پرتابی مانند: توپ، موشک یا هواپیما به طرف مواضع دشمن پرتاب می‌نمایند و بدون درگیری مستقیم تلفات سنگینی رابه دشمن وارد می‌سازند.

اسفندیار برای در امان ماندن در مقابل زهرمار، از روشی استفاده می‌کند که شبیه روش‌های دفاع در مقابل مواد شیمیایی در دنیای امروز است.

وی در خوان سوّم با اژدهایی زهر آگین روبرو می‌شود و برای مقابله با زهر او، دستور می‌دهد نجاران ازابه‌ای را از چوب بسازند و بر روی آن صندوقی از چوب قرار دهند و به اطراف ازابه‌ی صندوق، شمشیرهای برنده بنشانند.

اسفندیار دو اسب به ازابه می‌بندد و به سوی اژدها حرکت می‌کند. وقتی به نزدیک اژدها می‌رسد، به داخل صندوق می‌رود، اژدها ازابه و صندوق را به دهان می‌گیرد، اما شمشیرها در اطراف دهانش فرو می‌رود. اژدها سعی می‌کند که صندوق را از دهانش بیرون بیاورد وقتی صندوق از دهانش خارج شد، اسفندیار فوراً در صندوق را باز کرده و با شمشیر مغز اژدها را چاک می‌کند.

شیوه‌های نبرد در بخش تاریخی

شیوه‌های نبرد در این بخش تنوع بیشتری می‌یابد و روش‌های قدیمی تکامل پیدا می‌کند. بعضی از روش‌های قدیمی مانند جنگ تن‌به‌تن متروک می‌شود و به جای آن روش‌های جدیدی مانند استفاده از منجنیق به وجود می‌آید.

۱- استفاده از سدّ دفاعی (دیوار دفاعی): یکی از روش‌های نبرد که در شاهنامه به کار گرفته شده است، ساختن سدّ دفاعی در مناطق مرزی، برای جلوگیری از نفوذ مهاجمان به داخل کشور است.

در این روش با استفاده از وسایل مختلف مانند: چوب، گچ، مس و فلزات دیگر، سدّی در برابر تهاجم دشمن ایجاد می‌کردند و از نفوذ آنها به مناطق مرزی جلوگیری می‌نمودند. آشکارترین نمونه کاربرد این روش در قرن‌های اخیر، ساخت دیوار معروف چین است که برای جلوگیری از تهاجم قبایل مغول در مناطق مرزی چین ساخته شده بود.

خاکریز و استحکاماتی که در جنگ‌های امروزی در برابر دشمن ساخته می‌شود، برای همین منظور است. سدّ دفاعی ماژینو توسط فرانسویان و سدّ دفاعی زیگفرید

توسط آلمان‌ها در مناطق مرزی دو کشور که پیش از جنگ جهانی دوم ساخته شده بود نیز نمونه دیگر استفاده از روش سدّ دفاعی در دنیای جدید است.

این روش در شاهنامه سه بار به کار گرفته شده است، بار اول در بخش پهلوانی و توسط تورانیان و دو بار نیز در بخش تاریخی به وسیله اسکندر و انوشیروان استفاده شده است. تورانیان به دستور افراسیاب در منطقه مرزی کاسه رود و برای جلوگیری از نفوذ ایرانیان سدّی از چوب ساخته بودند که به وسیله گیو در جنگ ایرانیان، به فرماندهی طوس، برای انتقام خون سیاوش به آتش کشیده شد. ایرانیان بعد از تصرف دژکلات و کشتن فرود - پسر سیاوش - به سوی کاسه رود یورش می‌برند در آنجا سپاه ایران با مرزبانان توران درگیر می‌شوند و فرمانده آنها، پلاشان، به دست بیژن از پای در می‌آید. بعد از آن برف سنگینی شروع به باریدن می‌کند و همه جا یخ می‌بندد. ایرانیان سدّ چوبی را به وسیله گیو به آتش می‌کشند و راه عبور را باز می‌کنند.

سپهد چین گفت کاذر گشسب	نبد نامور ترز جنگی اسپ...
چوخلعت ستد گیو گودرز ز شاه	که آن کوه هیزم بسوزد به راه
کنونست هنگام آن سوختن	به آتش سپهری برافروختن
گشاده شود راه لشکر مگر	بباشد سپه را برو برگذر....
ازین رفتن من مدار ایچ غم	که من کوه خارا بسوزم به دم
به سختی گذشت از در کاسه رود	جهان را همه رنج برف آب بود
چو آمد بران کوه هیزم فراز	ندانست بالا و پهناش باز
زیپکان تیر آتشی بر فروخت	به کوه اندر افکند و هیزم
ز آتش سه هفته گذرشان نبود	ز تف زمانه ز باد و ز دود
چهارم سپه بر گذشتن گرفت	همان آب و آتش نشستن گرفت

(شاهنامه، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۳۵۶، بیت ۱۰۰۷-۱۰۲۷)

۲- اشغال میدان مساعد جنگ و در تنگنا قرار دادن دشمن: این روش قبل از حرکت دشمن به منظور آنکه در میدان جنگ وسعت کافی برای اجرای عملیات داشته باشند و

بتوانند تمام امکانات نظامی خود را به آسانی در عملیات به کار ببرند، مناطق موردنظر را اشغال می‌کنند.

بدین وسیله خود در مناطق آزاد، که تجهیزات و نفرات به راحتی قدرت رزم دارند، قرار می‌گیرند و دشمن در موضعی نامناسب و نامساعد قرار می‌گیرد و نمی‌تواند امکانات نظامی خود را به طور کامل به کار ببرد. (بهارمست، ص ۵۱) اسکندر مقدونی با استفاده از این روش و با اشتباهات فاحش داریوش، پادشاه ایران، در انتخاب میدان مساعد برای نبرد، توانست شکست سختی را بر سپاه ایران وارد کند. این روش امروزه در ارتش‌های دنیا کاربرد وسیع دارد و با عنوان تصرف مناطق استراتژی، یکی از اصول اولیه و مهم جنگ است. بهرام چوبینه در جنگ با ساوه‌شاه از این روش استفاده می‌نماید. بدین ترتیب که ابتدا یک نفر از نظامیان را به عنوان مذاکره به نزد دشمن اعزام می‌کند و در همین هنگام مناطق وسیع و مساعد جبهه‌ی جنگ را اشغال می‌کند و جنگ را در منطقه‌ی نامساعد، به دشمن تحمیل می‌نماید، به طوری که دشمن قادر نیست، تمام تجهیزات و نفرات خود را وارد عملیات کند.

۳- تله‌های انفجاری: از روش‌های جدیدی که در بخش تاریخی شاهنامه مورد استفاده قرار گرفته است، استفاده از تله‌های انفجاری است.

استفاده از مواد منفجره در جنگ‌های امروز بسیار رایج است. مین‌ها، از مهم‌ترین مواد منفجره‌ی کاشتنی هستند که می‌توانند تلفات زیادی را به بار بیاورند. این ابزار جنگی معمولاً در دشتهای باز و مسطح مورد استفاده قرار می‌گیرند. در مناطق دشت-عباس و شرفانی در جنوب غرب کشور به علت داشتن دشتهای وسیع، باز و مسطح، امکان وجود مین زیاد است.

اسکندر در جنگ با فور هندی از روشی استفاده می‌کند که شبیه تله‌های انفجاری امروز است. وی برای نابود کردن فیل‌های سهمگین دشمن، که به منزله نیروهای رزمی هستند، تدبیری بدین گونه می‌اندیشد:

دستور داد که اسبهایی از جنس آهن بسازند و داخل آن را پر از نفت سیاه کنند و در جلوی سپاه حرکت دهند. وقتی دو سپاه با هم رو در رو شدند و فیل‌های سپاه فور به نزدیکی اسبهای آهنین رسیدند، فرمان داد تا اسبهای آهنین را آتش بزنند، در نتیجه آتش زدن، اسبها منفجر شده و آتش آنها به فیل‌های فور سرایت کرده و بدین‌وسیله تعدادی از فیل‌های فور نابود شدند و بقیه از صحنه نبرد فرار کردند. (سرامی، ۱۳۷۸، ص ۴۴۱)

۴- **توپخانه:** یکی از روش‌های جنگی عمده‌ی ساسانیان استفاده از عرّاده و منجنیق بوده است، خصوصاً در عهد انوشیرون، ایرانیان به استفاده از منجنیق، برای درهم‌کوبیدن دژهای محکم دشمنان به‌ویژه رومیان استفاده می‌کردند. به وسیله منجنیق، وسایل تخریبی، آتش‌زا و سوزنده را به داخل دژ پرتاب می‌کردند. در نبرد دریایی «تسو - شیما» که در واقع آخرین نبرد از سلسله جنگ‌های روسیه و ژاپن بود توپخانه یک اصل بسیار مهم و سرنوشت ساز بود.

۵- **تخریب پل:** از این روش به هنگام عقب‌نشینی و برای جلوگیری از پیشروی دشمن استفاده می‌شود. تخریب پل‌ها در جنگ‌های امروزی نیز امری معمول و رایج است. پل‌ها از مهم‌ترین عوارض حسّاس در جنگ، و گاه شاه‌رگ حیاتی یک کشور می‌باشند. در جنگ جهانی اول، آلمان در ارائه حملات خود به کشور بلژیک در سال ۱۹۱۴ م، مهم‌ترین هدف خود را تصرف پل‌های ورودی به کشور بلژیک می‌دانست. طرح تاکتیکی آلمانی‌ها عبارت بود از نفوذ به داخل حلقه دژهای لیژ، تصرف شهر و پل‌های مهم آن، جدا کردن دژها از هم و بالاخره تصرف تک‌تک آنها، ضمن اینکه سواره نظام در شمال از رودخانه موز می‌گذشت و برای محاصره شهر حرکت می‌نمود. (موسوی، ۱۳۴۲، ص ۱۷)

خسرو پرویز پس از شکست بهرام چوبینه در میدان جنگ، به طرف تیسفون عقب‌نشینی می‌کند. بهرام به تعقیب او می‌پردازد. خسرو به منطقه نهروان می‌رسد و از پل نهروان عبور می‌کند و برای جلوگیری از پیشروی بهرام پل را تخریب می‌کند.

۶- استفاده از ستون پنجم: به گروهی که در کشوری به زیان آن کشور و به سود بیگانه فعالیت کنند، ستون پنجم گویند. این نام از زمان جنگ داخلی اسپانیا به جاسوسان هر یک از دو طرف که داخل واحدهای دیگری فعالیت جاسوسی داشته‌اند گفته می‌شود. (دهخدا، ۱۳۷۲، ص ۳۱۷)

استفاده از ستون پنجم (جاسوس بیگانه) در جنگ‌های امروزی یکی از روش‌های مهم نظامی در دنیا است و در تمام سطوح یک کشور اعم از نظامی، سیاسی، اقتصادی و... کاربرد دارد. در نبرد سالامین، دومین نبرد یونان و ایران، خشایار شاه به کمک «تمیستوکل» که یکی از سرداران یونانی بود (وی در باطن هواخواه ایران بود) با گرفتن اطلاعاتی از وضعیت سپاه یونان، در حمله دریایی، ارتش ایران را آماده حمله می‌کند، لیکن به علت تنگی معبر و کثرت کشتی‌های ایران و بزرگی آنها که اغلب در حرکت به هم برخورد می‌کردند، نتوانستند از فزونی تعداد خود استفاده جنگی نمایند. (جمالی-رستمی، ۱۳۸۰، ص ۵۳)

این روش در شاهنامه و در عهد ساسانیان، دوبار به وسیله ایرانیان برضد دشمنان آنان به کار گرفته شده است. استفاده از این روش بیانگر عمق تفکر نظامی ایرانیان است. نمونه بارز این روش در شاهنامه، استفاده شاپور ذوالاکتاف از کمک مالکه، دختر طائر عرب، برای تصرف دژ طائر است. شاپور به انتقام حمله طائر به بیستون که عمه او را به اسارت برده بود با کمک مالکه دژ طائر را تسخیر می‌کند. مالکه در هنگام شب، پدر خود و نگهبان دژ را شراب نوشانده و مست می‌کند، آنگاه در دژ را به روی سپاهیان شاپور باز می‌کند.

دیگر آگاه شدن بهرام چوبینه از نقشه شیخون زدن خسرو پرویز توسط خویشان لشکریان خود، در سپاه خسرو پرویز است. بهرام پس از آگاهی از نیت خسرو، پیشدستی نموده و هنگام سحر شیخون می‌زند.

۷- از کار انداختن تجهیزات دشمن (انهدام ادوات عمده دشمن): نابود کردن و از کار انداختن تجهیزات سنگین دشمن یکی از اهداف مهم جنگ امروز است. امروزه انواع و اقسام سلاح‌ها برای نابودی تجهیزات دشمن اختراع شده‌است و روش‌های متفاوتی برای آن وجود دارد.

تجهیزات نظامی، خصوصاً خودروها، یکی از عوامل پیروزی‌ساز و سرعت‌بخش به جنگ هستند و با نابودی آنها درصد شانس پیروزی دشمن کم می‌شود.

بهرام چوبینه در جنگ با ساوه‌شاه، وقتی دید ساوه‌شاه برای استحکام بیشتر سپاه خود فیل‌ها را به عنوان سدّی در جلوی صف سپاه قرار داده است، دستور داد تا تیراندازان با تیرهای سه چوبه (سه شاخه)، خرطوم فیل‌ها را هدف قرار دهند در نتیجه فیل‌ها مجروح شده و به طرف لشکریان ساوه‌شاه برگشتند و با فرار خود تعداد زیادی از لشکریان را مجروح و نابود کردند.

نتیجه‌گیری

پس از واکاوی روش‌های جنگی در بخش جنگ‌های گروهی که به طور دقیق از تمام ادوار شاهنامه صورت گرفته است، ۲۲ روش جنگی استخراج گردید. در این ۲۲ روش، می‌توان به تنوع، زیبایی، تاکتیک مناسب در جنگ‌ها و ذهن پویا، خلاق و سیال فردوسی پی برد ضمن اینکه با مطالعه هر قسمت به روشنی می‌توان به راهبردی بودن بسیاری از این روشها در جنگ‌های امروزی اقرار کرد و از آنها الگوبرداری نمود.

با توجه به یافته‌هایی این بررسی، که در جدول زیر نمایش داده شده است، روش رزم نزدیک یا نبرد تن به تن از پرکاربردترین روش‌های جنگی به کار گرفته شده

(خصوصاً در بخش اسطوره‌ای شاهنامه) است. در واقع به علت نبود سلاح‌های متنوع و دور برد، همواره رزم نزدیک نتیجه بسیاری از جنگ‌ها را رقم می‌زد.

جدول شماره ۱: نوع روش‌های جنگی

نوع روش‌های جنگی	غافلگیر کردن	عقب نشینی	جنگ دژ	محاصره کردن	ایجاد موانع مصنوعی	استفاده از موانع طبیعی	کسب اطلاعات	کمین کردن	نفوذ به مواضع دشمن با لباس مبدل	نیرو تن به تن
درصد کاربرد	۱۸/۶	۹/۳	۸/۶	۵/۳	۸/۶	۵/۳	۶/۶	۵/۳	۲/۶	۶۰
تعداد	۲۸	۱۴	۱۳	۸	۱۳	۸	۱۰	۸	۴	۱۷۴

جدول شماره ۲: نام روش‌های جنگی

نام روش‌های جنگی	شکار اسبان	دفاع در مقابل زهرمار	جنگ روانی	مهاجمان	سد بستن در برابر	تله‌های انفجاری	عملیات جاسوسی	وسیع جنگ	اشغال میدان	استفاده از ستون پنجم	تخریب بیل	توپخانه	تجهیزات دشمن	از کار انداختن
درصد کاربرد	۲/۶	۱/۳	۱۰/۶	۲	۱/۳	۲	۱/۳	۲	۲	۰/۶	۲/۶	۲/۶	۲/۶	
تعداد	۴	۲	۱۶	۳	۲	۲	۳	۲	۳	۱	۴	۴	۴	

چنانکه درصدهای آماری در بالا نشان می‌دهد، در کنار روش رزم تن به تن، استفاده از روش غافلگیر کردن به مرور گسترش یافت؛ ضمن اینکه از این تاکتیک مهم روش‌هایی همچون شبیخون، حمله از پشت سر و پیشدستی استخراج شد و از آنها بهره گرفته شده. در واقع اگرچه برخی از این روش‌ها همچون شبیخون یک روش ناجوانمردانه محسوب می‌شد اما چون در متن آن غافلگیر شدن افراد و تلفات بالایی وجود داشت این روش توانسته است حدود ۱۸.۶ درصد از کل روش‌ها را به خود اختصاص دهد. همانطور که در متن هم اشاره شد این روش یکی از فنون ساده و زود بازده است و زمینه را برای رزم در روز فراهم می‌سازد.

منابع و مآخذ

- ۱- ارسطو؛ فن شعر ۱۳۶۲؛ ترجمه دکتر عبدالحسین زرین کوب؛ بنگاه ترجمه و نشر کتاب؛ چاپ دوم؛ سال.
- ۲- بهار مست، سرهنگ احمد؛ فرماندهی خداوند جنگ سپهبد فردوسی؛ (بی نا).
- ۳- پیروزان، سرهنگ ستاد علی اصغر؛ رکنی؛ سرهنگ ستاد حسینعلی؛ هنر جنگ؛ تهران، انتشارات دانشگاه افسری امام علی^(ع)؛ چاپ دوم؛ ۱۳۷۰.
- ۴- جمالی، سرتیپ علی اصغر؛ رستمی؛ سرتیپ محمود بهار ۱۳۸۰؛ تاریخ نظامی جهان و فرهنگ تهران، انتشارات دانشگاه افسری امام علی^(ع)؛ چاپ اول.
- ۵- دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه؛ دانشگاه تهران؛ موسسه لغت نامه دهخدا؛ ۱۳۷۲.
- ۶- سرامی، قدمعلی ۱۳۷۸؛ از رنگ گل تارنج خار؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی؛ چاپ سوم.
- ۷- شاهنامه؛ بر اساس نسخه مشهور به چاپ مسکو ۱۳۸۴؛ تهران: نشر علم؛ چاپ دوم.
- ۸- صفا، ذبیح الله؛ حماسه سرایی در ایران ۱۳۷۰؛ تهران: انتشارات امیر کبیر؛ چاپ پنجم.
- ۹- فانی، کامران؛ جنگهای جهانی اول و دوم ۱۳۷۷؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی؛ چاپ دوم.
- ۱۰- کریمی، سرگرد زرهی داریوش ۱۳۷۰؛ اصول و قواعد اساسی در رزم؛ تهران: انتشارات دانشگاه افسری امام علی^(ع)؛ چاپ پنجم؛ پاییز.
- ۱۱- کزّاری، میر جلال الدین ۱۳۷۶؛ رؤیا، حماسه؛ اسطوره؛ تهران: نشر مرکز.
- ۱۲- مشکوتی، نصرت الله؛ تاریخ نظامی ایران و جنگهای دوران ماد و هخامنشی؛ بی نا.
- ۱۳- مقتدر، سرهنگ غلامحسین ۱۳۱۸؛ تاریخ نظامی ایران؛ تهران: چاپخانه فردین و برادر.
- ۱۴- ناتل خانلری، پرویز؛ «سپاه و جنگ در شاهنامه»؛ مجله مهر؛ سال دوم؛ شماره اول.
- ۱۵- ونیست.ج. اسپوزیتو؛ هنر جنگ ۱۳۴۶؛ ترجمه سرهنگ ستاد هوایی مصطفی موسوی؛ تهران: انتشارات هیئت علمی دانشکده افسری.